



مرکز تحقیقات شورای نگهبان



# گزارش کارشناسی

در خصوص:

لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

کد گزارش: ۹۲۱۱۰۳۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۸

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی در خصوص

**لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی**

تهیه کننده: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۲۱۱۰۳۳

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۲/۱۱/۸

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

### مقدمه

«لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۰ اعلام وصول و جهت بررسی به کمیسیون قضائی و حقوقی به عنوان کمیسیون اصلی و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شد. لایحه مزبور نهایتاً با اصلاحاتی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید.

### تبیین موضوع

در مقدمه توجیهی لایحه، با عطف به «نارسایی‌های قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷»، هدف از ارائه آن، «رفع مشکلات و نیازها» و «حبس‌زدایی از محکومان مالی» اعلام شده است.

مصوبه حاضر در چند محور به رفع این مشکلات پرداخته است:

- ۱- کمک محاکم به طلبکار (محکوم له) برای شناسایی اموال بدهکار (محکوم علیه)
- ۲- ذکر تفصیلات فقهی در برخورد با مدیونی که حکم را اجرا نمی‌کند در نصوص قانونی

۳- اصلاح نگاه ارفاقی به مقوله مستثنیات دین و شرایط و مصادیق آن

۴- وضع ضمانت اجراهای مدنی مناسب برای عدم تأدیه به موقع دیون در قالب امکان اخذ متفرعات طلب

۵- وضع ضمانت اجرای مناسب در خصوص معامله به قصد فرار دین

در خصوص الحاقات و اضافات مصوبه مجلس نسبت به لایحه قوه قضائیه قابل ذکر است، هرچند لایحه مزبور صرفاً در (۹) ماده توسط قوه قضائیه از طریق دولت به مجلس تقدیم شده بود و لذا لایحه مزبور در مجلس با افزایش قابل توجهی روبرو شده است، ولیکن با توجه به اینکه از یک سو مصوبه مجلس با لایحه پیشنهادی قوه قضائیه از جهت ماهیت موضوع همسو بوده و از سوی دیگر با توجه به شرکت نمایندگان قوه قضائیه در کمیسیون تخصصی و تبادل نظر میان نمایندگان و قوه قضائیه، نظر این قوه در خصوص الحاقات و اضافات مصوبه مجلس نسبت به لایحه قوه قضائیه تأمین شده، مصوبه پیشنهادی از جهت لزوم موافقت رئیس قوه در خصوص لوایح قضائی فاقد ایراد به نظر می‌رسد.

## **نظر مشورتی**

### **ماده (۱)**

ذیل این ماده به رعایت قانون اجرای احکام مدنی به صورت کلی اشاره کرده است. در این خصوص با توجه به اینکه این قانون مصوب پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۵۶/۸/۱) است، الزام به رعایت آن به صورت کلی از جهت اینکه ممکن است برخی از احکام آن مغایر شرع باشد محل تأمل است.

## ماده (۳)

درخصوص این ماده نکات ذیل قابل توجه می‌باشد:

۱- اطلاق تعبیر «ابلاغ اجرائیه» در این ماده به دلیل اینکه نوع ابلاغ مد نظر قانونگذار از حیث مصداق که شامل «ابلاغ واقعی» و یا «ابلاغ قانونی» است، مشخص نشده واجد ابهام می‌باشد.

۲- ذیل ماده به عدم حبس در صورت اقامه دعوی اعسار از سوی محکوم علیه تصریح دارد و لذا در صورت عدم اقامه دعوی اعسار، محکوم علیه در هر صورت حبس می‌گردد. در این خصوص قابل ذکر است که پیشتر شورای نگهبان در اظهار نظر خود پیرامون ماده (۲)<sup>(۱)</sup> «طرح نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» به شماره ۷۷/۲۱/۳۵۴۶ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۹ بیان نموده «اتلاق حبس در ذیل ماده که شامل صورت ثبوت اعسار بدون ادعای بدهکار می‌باشد خلاف موازین شرع شناخته شد»، لذا حکم این ماده از این جهت نیازمند تأمل است.

## تبصره «۱» ماده (۳)

۱- اطلاق حکم تبصره «۱» ماده (۳) در خصوص اینکه «محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید» در صورتی که واجد این معنا باشد که دادگاه در تشخیص اینکه اصل کفیل یا وثیقه را

---

۱. ماده ۲ - هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او (غیر از مستثنیات دین) در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفاء می‌نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممنوع را تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد.

پذیرد اختیار دارد، واجد ایراد می‌باشد و این برداشت در تعارض با حکم ذیل همین ماده است که بیان داشته «چنانچه محکوم علیه تا ده روز... دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود.» لذا جهت عدم وجود تعارض در متن ماده و تبصره و رفع ابهام می‌بایست یا ذیل متن ماده در تطابق با تبصره ۱ اصلاح شود و یا در تبصره، «تشخیص دادگاه» صرفاً محدود به وجود شرایط قانونی در «کفیل» یا «وثیقه» معرفی شده باشد نه اینکه پذیرش اصل کفالت و وثیقه به تشخیص دادگاه منوط شود.

۲- تذکر: ذیل این تبصره فقط مواردی را که دادگاه دستور استیفای محکوم به و هزینه‌های اجرائی از وثیقه یا وجه الکفاله را داده باشد، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر دانسته و متذکر مواردی که دادستان چنین دستوری داده، نشده است، در حالی که مطابق مفاد همین تبصره، استیفای محکوم به و هزینه‌های اجرائی از محل وثیقه و یا وجه الکفاله حسب مورد هم به دستور دادستان قابل انجام است هم به دستور دادگاه، ذیل همین تبصره نیز به رعایت قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص اعتراض نسبت به دستور دادگاه و یا دادستان اشاره شده است، لذا لازم است عبارت «یا دادستان حسب مورد» پس از عبارت «دستور دادگاه» در جمله «دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر است» اضافه شود در غیر اینصورت حکم مزبور محل ایراد است.

### **تبصره «۲» ماده (۳)**

این تبصره از چند جهت واجد ایراد می‌باشد:

۱- اطلاق «مقررات» مذکور در صدر این تبصره چنانچه شامل مقررات مغایر

این قانون بوده و حکم به ابقاء آنها شده باشد مغایر اصل ۵۸ قانون اساسی مبنی بر اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی و نیز مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

۲- در حال حاضر نهادی به عنوان «تعویق اجرای مجازات» و «موانع اجرای مجازات» در مجموعه قوانین، از جمله قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، بلکه «تعویق صدور حکم» و «تعلیق اجرای مجازات» وجود دارد، فلذا تبصره مزبور از حیث اشاره به مفاهیم مذکور، واجد ابهام و اشکال است.

۳- مجری دانستن مقررات مربوط به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس- که صرفاً در خصوص حبس تعزیری قابل اجرا است- در این گونه موارد صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا حبس مقرر در این موارد، تعزیری نیست و صرفاً برای الزام مدیون دارای ملاتت مالی برای انجام تعهد و وصول دین از وی است که در موازین شرعی مقرر شده است. بنابراین، مجری دانستن مقررات مربوط به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در این ماده، محل اشکال بوده و مغایر بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی مبنی بر ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد می‌باشد. لازم به ذکر است در این خصوص شورای نگهبان در نظریه شماره ۴۵۹۱ مورخ ۶۴/۷/۹ راجع به مشروعیت قانون منع توقیف اشخاص مصوب ۵۲/۸/۲۲ نسبت به مواردی که موجب تضییع حقوق افراد می‌گردد این چنین اظهار نظر نموده که:

«اطلاق منع توقیف متعهد نسبت به مواردی که بر دادگاه معلوم باشد که متعهد ممتنع از اداء حق واجد یا قادر به انجام مورد تعهد می‌باشد و الزام او بر

انجام تعهد و وصول دین از او بطریق اسهل ممکن نباشد و خلاصه موجب تضييع حق يا تاخير رسيدن ذی حق به حق خود شود شرعی نیست»

### **ماده (۵)**

این ماده از جهت اینکه قوه قضائیه را مکلف نموده مراکزى به عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» ایجاد نماید و لذا منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با توجه به اینکه این ماده در لایحه تقدیمی به مجلس وجود نداشته و به موجب پیشنهاد نمایندگان (کمیسیون قضائی حقوقی مجلس) و بدون پیش بینی طریق تأمین هزینه جدید، اضافه شده است مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

### **تبصره ماده (۷)**

۱- این تبصره از جهت اینکه شامل ثبوت ملائت سابق مدیون بدون ادعای طلبکار و اثبات آن رأساً توسط دادگاه نمی‌شود محل تأمل می‌باشد.  
۲- تذکر: لازم است واژه «اثبات» پیش از عبارت «حدوث اعسار» اضافه شود.

### **ماده (۱۰)**

اطلاق ذیل ماده (۱۰) با توجه به عبارت «و به هر نحو دیگر که ممکن باشد» به دلیل اینکه دادگاه را بدون الزام به رعایت ضوابط قانونی و ذکر چارچوب مشخص مکلف نموده به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه اقدام کند و محدوده این تجویز مشخص نیست و این امر ممکن است باعث تفتیش در حوزه‌های شخصی و حریم خصوصی افراد در



موارد غیر ضروری شود، واجد اشکال بوده و مغایر اصل ۲۲ قانونی اساسی مبنی بر مصونیت حیثیت افراد از تعرض و همچنین مغایر بند ۱۴ اصل سوم مبنی بر لزوم ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه می‌باشد.

### **ماده (۱۵)**

در خصوص ماده (۱۵) این نکته قابل تأمل می‌باشد که بر اساس ماده (۴۱۲) قانون تجارت فعلی<sup>(۱)</sup> «ورشکستگی» منحصر در «تجار» می‌باشد. در حالیکه اطلاق «اشخاص حقوقی» در ماده (۱۵) لایحه به دلیل اینکه شامل اشخاص حقوقی غیر تجاری نیز می‌شود منجر به این خواهد شد که اشخاص حقوقی غیر تاجر نیز مشمول همان احکام مربوط به ورشکستگی تجار شوند. در این خصوص لازم به ذکر است در مصوبه لایحه تجارت جدید، این موضوع به رسمیت شناخته شده و تمامی اشخاص حقوقی اعم از تاجر و غیر تاجر مشمول مقررات ورشکستگی دانسته شده‌اند و مصوبه مجلس نیز با عنایت به این موضوع اقدام به جعل این حکم و توسعه مفاد ماده (۴۱۲) قانون تجارت فعلی به تمامی اشخاص حقوقی نموده است.

### **ماده (۱۶)**

به موجب این ماده هرگاه محکوم علیه به منظور فرار از اجرای حکم از اعلام کامل اموال خود مطابق مقررات این قانون خودداری کند یا پس از صدور حکم اعسار معلوم شود برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است به حبس

---

۱. ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود... .

تعزیری درجه هفت<sup>(۱)</sup> محکوم می‌شود. از آنجا که براساس ماده (۶۶)<sup>(۲)</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به جای این حبس، قاضی باید مجازات جایگزین حبس در نظر بگیرد و از آنجا که این مجازاتهای جایگزین حبس بسیار خفیف می‌باشند و قابلیت بازدارندگی و تنبیه را نداشته، مجازات مذکور در این ماده از حیث اینکه موجب تضييع حق یا تاخیر رسیدن ذیحق به حق خود می‌شود مغایر بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی مبنی بر لزوم تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه می‌باشد.

### ماده (۱۷)

در بند «۵» این ماده با توجه به واژه «عمومی» از جهت اینکه مصادیق و دامنه شمول بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی بدلیل عدم وجود تعریف قانونی، مشخص نیست، از حیث مصداق واجد ابهام می‌باشد. همچنین «وام‌های ضروری» مذکور در این بند فاقد تعریف قانونی مشخص بوده و ابهام دارد.

---

۱. حبس از نود و یک روز تا شش ماه

۲. ماده ۶۶- ماده ۶۶ - مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف - بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب - یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم ديه

## ماده (۲۰)

**نظر اول:** حکم این ماده در خصوص «انفصال مدیران یا مسئولان مراجع مذکور در ماده ۱۹» به دلیل اینکه بنابر حکم ذیل ماده ۱۹، شامل وزراء و آن دسته از مقاماتی که در قانون اساسی نحوه عزل و نصب آنها ذکر شده است نیز می‌باشد مغایر اصول مربوطه قانون اساسی است.

**نظر دوم:** موارد مذکور در قانون اساسی در خصوص نحوه عزل برخی مقامات جنبه حصری نداشته و در صورتی که قانونگذار مجازاتی وضع نماید اعم از اینکه این مجازات انفصال و یا حبس و یا غیره باشد شامل همه اشخاص اعم از مقامات مزبور و غیره می‌شود.

## ماده (۲۲)

«خسارت تأخیر در انجام تعهد» در این ماده به دلیل عدم تعیین ضوابط مشخص و تعریف حدود آن، محل تأمل و ابهام می‌باشد.

## ماده (۲۴)

تقیید ممنوع الخروج نمودن محکوم علیه به تقاضای محکوم له در مواردی که محکوم له دولت باشد، مغایر اصول ۴۰ و ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

## ماده (۲۵)

اطلاق حکم این ماده در خصوص «قرار دادن اطلاعات مربوط به هویت کلیه محکومان در اختیار متقاضیان مالی توسط دادستان»، بدون ذکر هیچ ضابطه ای مغایر اصل ۲۲ قانون اساسی مبنی بر مصونیت حیثیت افراد از تعرض است.

### **تبصره «۲» ماده (۲۶)**

اطلاق حکم این تبصره در خصوص توقیف عوض مستثنیات دین در مواردی که مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده و مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را ندارد اما قصد تهیه یکی دیگر از مستثنیات دین را داشته باشد محل اشکال است، به طور مثال چنانچه تلفن یا بخشی از اثاثیه مورد نیاز مدیون جهت تعمیر ضروری منزل مسکونی او تبدیل به وجه گردد، این وجه بر اساس حکم این تبصره به نفع طلبکار توقیف می‌شود.

### **ماده (۲۹)**

با توجه به این که بر اساس این ماده برخی از مواد این مصوبه از جمله ماده (۲۴) نسبت به اشخاص حقوقی نیز مجری می‌باشد، نحوه اجرای ماده (۲۴) این لایحه در خصوص ممنوع‌الخروج نمودن محکوم‌علیه، نسبت به اشخاص حقوقی محل ابهام می‌باشد که کدام یک از مسئولین اشخاص حقوقی در جمع مواد (۲۴) و (۲۹) باید ممنوع‌الخروج شوند.

### **تبصره ماده (۳۰)**

حکم این تبصره قطع نظر از اینکه هیچگونه ارتباطی با موضوع این مصوبه ندارد، از جهت اینکه صلاحیت‌های سازمان تعزیرات حکومتی را به رسمیت شناخته است، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی است.

همچنین با توجه به اینکه قانون تعزیرات حکومتی در راستای حل معضلات نظام، با ارجاع رهبری توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است، حکم این تبصره اصلاح قانون مزبور بوده و لذا از این جهت مغایر نظر

تفسیری شورای محترم نگهبان به شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴<sup>(۱)</sup> و همچنین بند «۸» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

## ماده (۳۲)

حکم به ابقای ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده<sup>(۲)</sup> با توجه به اینکه به موجب این ماده، رعایت ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰) مورد اشاره قرار گرفته است و از سوی دیگر قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ به موجب همین ماده از لایحه نسخ

### ۱. نظریه شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان:

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

عطف به نامه شماره ۱/۲۶۳۰/۷۷۷۸- ر مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ و ۱/۲۲۳۶/۱۶۴۶ - ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳ بند ۵ سؤال مورد اشاره در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«هیچیک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۲. ماده ۲۲- هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.

می‌شود، از جهت لزوم رعایت این لایحه نسبت به موضوع مذکور در ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده، واجد ابهام می‌باشد.



امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و  
چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود  
راینا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و  
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفنکس: ۸۸۳۲۵۰۴۵

[info@shora-rc.ir](mailto:info@shora-rc.ir)

[www.shora-rc.ir](http://www.shora-rc.ir)